محمد نسایی

گپ و گفتی با خانواده و دوستان شهدای اطفای حریق در کوهستان

فدائیان زاگرس

محمد معصومیان
گزارش نویس

یکسال پیش در چنین روزهایی خبر کشته شدن داوطلبان مردمی اطفای حریق در جنگل‌های بلوط زاگرس هر روز به گوش می‌رسید، یک روز البرز زارعی از گچساران در کهگیلویه و بویراحمد و دو هفته بعد مختار خندانی، بلال امینی و یاسین کریمی که در آتش‌سوزی جنگل‌های حفاظت شده بوزین و مره‌خیل استان کرمانشاه به شهادت رسیدند و روز دیگر محمد جواد مختاری که در استان فارس به شهادت رسید. مردانی با دست خالی و قلب‌هایی سرشار از عشق به طبیعت. جوانانی که به قول صدیقه زارعی خواهر البرز زارعی می‌توانستند بگویند آتش‌سوزی جنگل‌ها چه ارتباطی به ما دارد؟ اما برای آنها که عاشق طبیعت هستند گفتن این جملات ساده نبود. در آستانه سالگرد شهادت آنها با خانواده‌هایشان صحبت کردیم تا از سختی‌ها و دلتنگی‌ها بگویند، از پیگیری وعده‌های مسئولان برای فراموش نشدن آرمان‌های این شهیدان.

صدیقه زارعی خود را «خواهرِ جان فدای زاگرس، البرز زارعی» معرفی می‌کند. البرز جوانی ۳۷ ساله بود که در نبود امکانات و لباس مناسب در حالی که چند روز مشغول اطفای حریق بود در میان آتش از صخره روی علف‌های مشتعل می‌افتد و بعد از آن به بیمارستان یاسوج منتقل می‌شود. آن‌طور که صدیقه خواهر بزرگ‌تر او تعریف می‌کند نبود امکانات در بیمارستان یاسوج و سهل‌انگاری مسئولان در دیر منتقل کردن البرز به بیمارستان مجهز سوانح سوختگی اصفهان باعث می‌شود او از دست برود: «فعالیت ورزشی او به‌صورت حرفه‌ای کوهنوردی بود. گروه دوچرخه سواری هم تشکیل داده بود و در زمینه هوای پاک فعالیت می‌کردند. او از مؤسسان گروه سبزگامان گچساران بود و در زمینه فرهنگ کتابخوانی هم فعالیت داشت. چند سالی است که جنگل‌های شهر ما درحال سوختن است و به‌همین واسطه، البرز به همراه عده ای گروه اطفای حریق تشکیل داده بودند. او بواسطه کوهنورد بودن به مناطق صعب العبور می‌رفت.» صدیقه اردیبهشت ماه را فصل آغاز جنگ با آتش در شهر می‌داند؛ روزی که جوانان شهرشان با دست خالی به نبرد با آتش می‌روند.

البرز در خانواده هم جایگاهی ویژه داشت. بعد از مرگ پدرش در سال ۸۰ سرپرست خانواده می‌شود و به استخدام حراست وزارت نفت درمی‌آید اما ازدواج نمی‌کند تا خانواده در تنگنای اقتصادی قرار نگیرند. حالا در نبود او و به ثمر نرسیدن وعده‌های مسئولان مبنی بر تعلق گرفتن بیمه بی‌نام به البرز، اقتصاد خانواده با مستمری اندک پدر و کار کردن برادر دیگر به سختی می‌گذرد: «۱۸ روزی که در بیمارستان بود هیچ توقعی از کسی نداشت و کسی را مقصر نمی‌دانست و ما هم بر عقیده او هستیم و از کسی تقاضایی نداریم اما از مسئولان دلخوریم که در این یک سال حتی یک احوالپرسی ساده از ما نکردند. دریغ از یک کار ارزشمند برای البرز، یک کاری که برای شهر بماند و نام البرز را زنده نگه دارد. تقدیری که در شأن نام او باشد یا حداقل فکری برای آتش‌سوزی‌ها بکنند که هر سال بزرگ‌تر و فاجعه بارتر نشود.» حالا اما نام و شخصیت او الگویی شده برای مردم گچساران تا هر روز بیشتر به محیط زیست و جنگل‌ها حساس شوند و راه او را ادامه دهند. فاطمه کریمی ۲۱ ساله خود را فرزند ارشد شهید یاسین کریمی از شهدای آتش‌سوزی مناطق حفاظت شده بوزین و مره خیل در تاریخ ۸ تیر ۱۳۹۹ معرفی می‌کند؛ روزی که یاسین به‌همراه مختار و بلال در میان شعله‌ها گرفتار شدند و به زمینی که برای زنده بودنش تلاش کردند، پیوستند: «پدرم متولد اول شهریور ۵۷ در روستای شمشیر از توابع شهرستان پاوه هستند. ما سه خواهر هستیم و بجز من یک خواهر ۱۴ ساله و یک خواهر ۵ ساله هم هستند و شغل پدرم سرایدار مدرسه بود.» عکس واتس اپ فاطمه تصویری تیره از خودش است که متن «پ مثل پدر» روی آن نوشته شده است. او از عشق پدرش به کوهنوردی و طبیعت می‌گوید و از همکاری او با منابع طبیعی در اطفای آتش‌سوزی‌ها: «بعد از فوت پدرم زندگی ما سخت شد و آن اوایل باورمان نمی‌شد این اتفاق افتاده است. یادم هست لباس‌هایش را بو می‌کردم، گریه‌ام می‌گرفت هنوز هم وقتی به یادش می‌افتم گریه‌ام می‌گیرد. مادرم هم هنوز حال خوشی ندارد و از طرفی نگران آینده ماست و از طرفی غم از دست دادن پدرم را دارد.»

فاطمه که شمرده و محکم و بدون نشان دادن احساسات در صدایش حرف می‌زند از شرایط معیشتی بعد از فوت پدر می‌گوید: «از لحاظ مالی پدرم حقوقی نداشت که برای ما بماند و مادرم هم خانه‌دار است. از مسئولان هم تشکر می‌کنم که به ما سر زدند، اما الان منبع درآمدی نداریم و مستأجر هستیم. تنها منبع درآمد ما خیریه‌ها هستند. آن اوایل ستاد بحران، هلال احمر یا سازمان جنگل‌ها و اداره کل منابع طبیعی کرمانشاه آمدند سر زدند و کمک‌هایی هم شد اما بعد از یکسال اصلاً به ما سر نزدند که ببینند حال و روز ما چطور است. خانه مستأجری ما جای تروتمیزی است اما خانه قبلی فرسوده و غیرقابل سکونت بود. بعد از فوت پدرم خیلی‌ها کمک کردند خانه جدیدی بسازیم اما هنوز آماده نشده. این کمک‌ها را هم فقط خیرین به ما کردند.»

فاطمه که دانشجوی ترم اول رشته حقوق است از تأثیر شهادت پدرش روی ذهنیات خود می‌گوید. از ادامه دادن راه پدر و حفاظت از محیط زیست: «از مردم می‌خواهم به یاد پدر من و دیگر کسانی که در این راه به شهادت رسیدند باشند و قدر محیط زیست را بدانند. فقدان پدر خیلی سخت است اما کاش هرگز آنها و ارزش‌هایشان را فراموش نکنیم.»

شهرام ویسی‌نژاد دوست صمیمی مختار خندانی، او را دلیرمردی معرفی می‌کند که تمام زندگی و سرمایه خود را وقف کارهای عام المنفعه کرده بود. مختار خندانی هم در روز ۸ تیرماه سال گذشته در مناطق حفاظت شده بوزین و مره‌خیل گرفتار آتش شد. شهرام و مختار ۲۰ سال مانند برادر همیشه در کنار هم بودند، در همه زمینه‌ها باهم کار کردند بجز روزی که در مناطقی جدا مشغول اطفای حریق بودند: «خانواده او در این یک سال روزگار بدی داشتند. مادر ایشان به‌خاطر رفتن روی مین‌های باقی مانده از جنگ تحمیلی، جانباز و قطع عضو هستند و پدرشان هم کشاورزی ساده و محترم است. آن اوایل همه مسئولان آمدند از رئیس محیط زیست تا نماینده منطقه در مجلس و... وعده دادند اما هیچکدام محقق نشده است. در مراسم می‌گفتند نمی‌گذاریم خون آنها پایمال شود. گفتند پایگاه حریق احداث می‌کنیم اما هیچ فعالیتی نکردند. الان که من با شما صحبت می‌کنم بازهم جنگل‌ها درحال سوختن هستند و صدای انفجار می‌آید اما هیچ مسئول و ارگانی جوابگوی این همه خسارت نیست و هیچکس به مراجع قضایی معرفی نمی‌شود.»

> **از لحاظ مالی پدرم حقوقی نداشت که برای ما بماند و مادرم هم خانه‌دار است. از مسئولان هم تشکر می‌کنم که به ما سر زدند. اما الان منبع درآمدی نداریم و مستأجر هستیم. تنها منبع درآمد ما خیریه‌ها هستند. آن اوایل ستاد بحران، هلال احمر یا سازمان جنگل‌ها و اداره کل منابع طبیعی کرمانشاه آمدند سر زدند و کمک‌هایی هم شد اما بعد از یکسال اصلاً به ما سر نزدند که ببینند حال و روز ما چطور است**

شهید مختار خندانی بچه نوسود بود، شهری مرزی در استان کرمانشاه، از خانواده‌ای با ۷ فرزند. آن طور که شهرام می‌گوید هیچ‌گونه کمکی از طرف نهادهای دولتی و حکومتی به خانواده او نشده است. او که عضو تشکل انجمن سبز چیا و از مؤسسان انجمن ژیوای پاوه بود در ۴۳ سالگی به شهادت رسید: «مختار مجرد بود و به‌خاطر فعالیت‌های زیست‌محیطی نمی‌توانست به هیچکس تعهد بدهد چون می‌گفت من وقتم را وقف محیط زیست و منابع طبیعی کرده‌ام و واقعاً هم همین طور بود. آدمی بود به تمام معنا انسان و پاک، فرشته‌ای بود در قالب انسان.»

ویسی‌نژاد عکس‌هایی از یادمان او در آرامگاه شهر نوسود برایم می‌فرستد با عکس‌هایی از آتش‌سوزی در جنگل‌های بلوط تا شاید به من نشان دهد حتی بعد از مرگ مختار خندانی و یارانش در سال گذشته هنوز هم هیچ تحول چشمگیری برای پیشگیری از آتش‌سوزی‌های سریالی هر ساله در زاگرس رخ نداده است. امید سجادیان دبیر تشکل نهضت سبز زاگرس هم که این روزها مثل سال‌های گذشته مشغول اطفای حریق و ساماندهی نیروهای مردمی است هم تأیید می‌کند مثل هر سال هیچ نقشه راهی برای پیشگیری از وقوع آتش‌سوزی‌ها دیده نمی‌شود: «هنوز آمادگی برای مقابله موثر با آتش وجود ندارد. هنوز هیچ بالگردی تهیه نشده است. هر سال وعده سال آینده را می‌دهند. یکسری تجهیزات خریده شد و یکسری اعتبارات اختصاص داده شده اما بسیار کم است. برنامه اصولی و کاربردی تهیه نشده است. برنامه پیشگیری و آموزش وجود ندارد.» او یکی از ضعف‌های عمده را جدی نگرفتن نیروها و تشکل‌های مردمی می‌داند و می‌گوید: «تجهیزات به دست نیروهای مردمی نمی‌رسد. گاهی و موردی این نیروها مورد توجه قرار می‌گیرند. سازمان‌های مردم نهاد از جان خود مایه می‌گذارند اما ادارات درگیر مبالغ اندک تهیه تجهیزات هستند.»

جدول سودوکو ۳۶۸۱

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یکبار دیده شود

آسان

				۱	۹	۵		
			۵	۸		۳		۶
			۶	۴	۵			
	۳	۱		۸	۵	۷		
۴				۷			۱	۸
		۵	۱			۲	۹	
			۳	۶	۹			
			۶		۱		۳	۹
			۲	۷	۸			

متوسط

۸		۳			۷			۴
	۲			۱			۹	
						۳		۷
					۹	۲		۵
۹	۱		۸		۲		۴	۳
۴		۲	۱					
۶		۴						
	۳			۷			۶	
۲			۴			۹		۸

سخت

۴					۷		۵	
	۳		۴	۶				
۵	۲					۶		۳
		۴				۹		
۲					۱			۷
	۹							
۹	۷						۲	۵
				۸	۱		۷	
			۵				۸	۴

خیلی سخت

			۷	۴				۲
	۱							
۸		۳	۶					
	۳	۶			۸	۹		
		۵				۷		
		۴	۲			۳	۵	
					۴	۶		۳
							۱	
۴				۹	۳			

حل جدول سودوکو شماره ۳۶۸۱

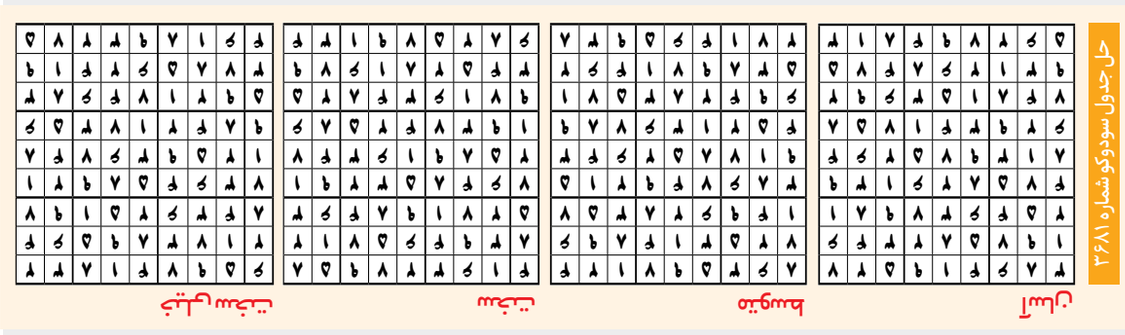

یک جدول با دو شرح ۷۶۴۸

جدول روزنامه *ایران* دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

جدول عادی

افقی:

۱- زمین گیرو درمانده- چهارمین پادشاه سلسله گورکانیان هند
۲- بسیار- نمایشنامه «فدریکو گارسیالورکا»- گسترده‌شده
۳- پیوسته و پشت سرهم- نمایان- باربرشهری
۴- پایین- از گروه‌های خونی- شهر «قلعه قهقه» در استان کرمان- درس کشیدنی
۵- عدد بهم زدنی!- ناخوشایندی و زشتی- راه برون شهری
۶- مرحبا- اپلیکیشن پرداخت- حرف تنفر
۷- کوچک‌تر از اقیانوس- نوعی چاپگر- بی سواد
۸- عارف و شاعر دلسوخته ایران در قرن ۴ و ۵ هجری
۹- فرزندزاده- فقر و مسکنت- انبار گندم
۱۰- نفس چاق- قاضی مسابقات- طرز معاشرت
۱۱- شرافتمند- نام دخترانه- میوه خوب!
۱۲- نماد شکل پذیری- نان خرد کرده در آبگوشت- واحد سطح- شیرینی تولد
۱۳- مافوق و بزرگتر- بشارت دهنده- بازتاب نور
۱۴- پسر محبوب- باقی گذاشتن- وسیله از کار افتاده
۱۵- تصمیم جدی گرفتن- پیشوند کوچکی انگلیسی

عمودی:

۱- یکی از آثار دیدنی «سمنان»- نشانه
۲- تصدیق بی ادب- ارمغان «ساوه»- سازمان خواربار دوئل» (۲۰۲۱)
۲- جاری- شهر تاریخی استان «کرمان»- یک دوره هزار ساله
۳- معمار تحصیلکرده- حلال رنگ- ایالتی در «هند»
۴- واژه بیان شگفتی- شادمان شدن- میل خانم باردار- اسلحه کمری
۵- شهر خرما- شیپور- زیور
۶- کارگردان «تعطیلات در رم»- گیاه لایه لایه!- گدایی
۷- واحد مکالمه تلفن- هر فصل فیلم- ثروتمند
۸- اثری از «جان دیویی»- فیلسوف امریکایی
۹- اسم- بافندگی- بازیگر «جومونگ»
۱۰- گربه عربی- باشکوه- میوه‌ای روغن دار
۱۱- عرضه شدنی در بورس- اسب تندرو- ورود غیرمجاز رایانه‌ای
۱۲- آتش- غیرقابل تغییر- لؤلؤ- کدام کس را؟
۱۳- بزرگ‌ترین هیولای تاریخ- شاه ساسانی- کالاها
۱۴- محدوده‌ای شامل چند شهر- تیر کوچک- بازو گشاده
۱۵- بازیگر فیلم «دستیار» (۲۰۲۰)- تفریق عددی از عدد دیگر

عمودی:

۱- مورد علاقه و توجه بسیار پدر و مادر- پول سابق «آلمان»
۲- بهره هوشی- بیعانه- پارسنگ ترازو
۳- نام «انصاری» هافبک آلومینیوم اراک- مقابل «دوشیزه»- سلاح جنگی ورزشی!
۴- قاپیدن- موتور مسابقه‌ای- لؤلؤ- کیوسک
۵- از جزیره‌های غیرمسکونی ایرانی خلیج فارس- لطف واحسان- مادر عرب
۶- پادگان تهران- تلفظ «و»- ماده‌ای گندزدا
۷- گریز- حامی ورزشی- ویران
۸- فرمانروایی- پرنده‌ای نوک دراز- امر به خودداری از جنگ
۹- شهری در «ژاپن»- زشت رو- نرمی و نازکی
۱۰- مسابقه خانوادگی در حال پخش شبکه سه- شهری در استان «فارس»- اشاره به دور
۱۱- دریا- خارپشت- یک شیرینی بین المللی
۱۲- ترمیم فرش- رنجوری- زبان عربی- گوشت بدون چربی و استخوان
۱۳- اخگر و جرقه آتش- بازپسین- ادویه مخلوط
۱۴- واحد جهانی طلا- کتابی در زمینه تربیت از «ژان ژاک روسو»- ترازنامه
۱۵- عددی ترتیبی- از رشته‌های صنایع دستی

جدول ویژه

افقی:

۱- این بیماری ارثی در بزرگسالی رایج تر است- کارگردان «آخرین

عمودی:

۱- مورد علاقه و توجه بسیار پدر و مادر- پول سابق «آلمان»
۲- بهره هوشی- بیعانه- پارسنگ ترازو
۳- کتف- نیمه گرم- مجموعه تلویزیونی
۴- بلا- بازاری- ابرغلیظ- سرپرست
۵- جزیره ایرانی- معیار معتبر- حرف فاصله
۶- رازیانه- لباس زمستانی- مسلم
۷- چراگاه عشایر- تیم قبلی «مسعود اوزیل»- سازی بادی
۸- منسوب به دنیا- روستایی دیدنی در «اردبیل»- چهره
۹- فطری و ذاتی- نام دیگر ورزش تفریحی «اسکیتینگ»- نمدزین
۱۰- نردبان- شهری در «مغولستان»- آب شرعی
۱۱- سودای ناله- فرمانروایی، سروری- ستاره
۱۲- پاداش نیکی یابدی- مخفف نه از- ترس- مجموعه گلبرگ‌ها
۱۳- کلاه مردانه- مخفف بیرون- این هم مخفف اکنون
۱۴- دریاچه خوارزم- کشور «لیبرویل»- شهری در «زیمبابوه»
۱۵- افترا- مهاجم سابق «اتلتیکو مادرید»

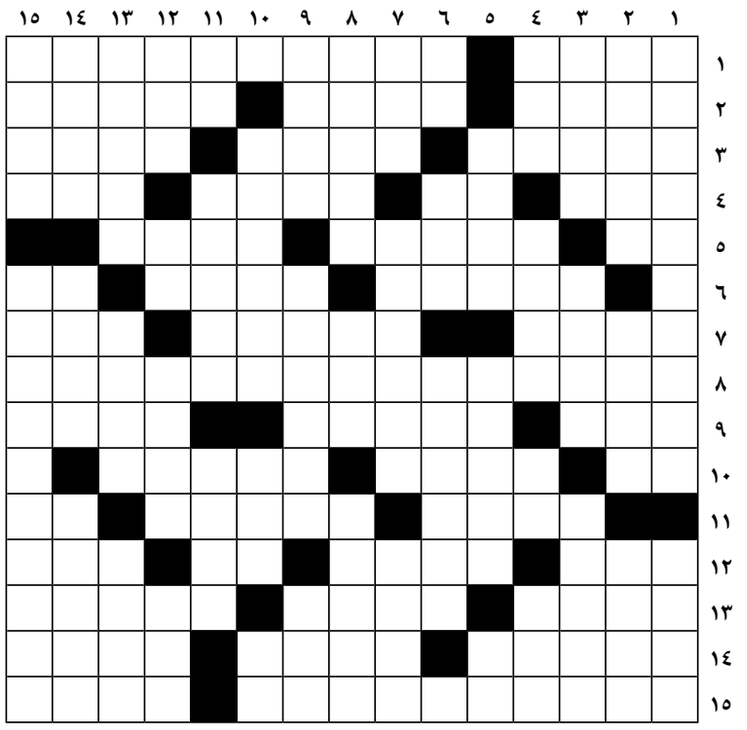

حل جدول عادی شماره ۷۶۴۷

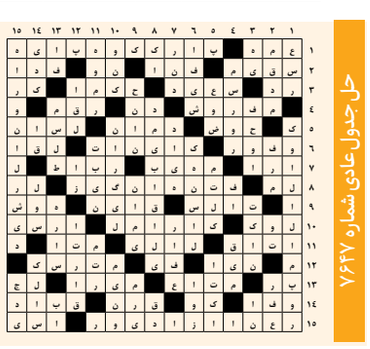
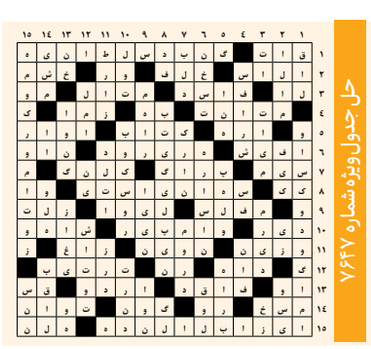
حل جدول ویژه شماره ۷۶۴۷